

## هنرهای دستی زنان؛ پوشاک زنان سیستانی

حمیده یعقوبی\*

### چکیده

تهیه و دوخت لباس در طول تاریخ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ زیرا پوشاک از جمله عناصر فرهنگی برای معرفی یک قوم محسوب می‌شود. پوشاک سنتی سیستان بویژه پوشاک زنان از بخش‌های متنوعی تشکیل گردیده است که با شرایط اقلیمی، فرهنگی و تاریخی منطقه همخوانی دارد. این پوشش از پوشاندگی کافی و جنبه‌های زیبایی‌شناختی برخوردار است و علاوه بر شکل خاص لباس، تیلور هنرهای دستی مانند خامه‌دوزی، گلدوزی، سیاه‌دوزی و سایر رودوزی‌های زیباست.

نمایش چنین هنر - صنعتی از رسانه ملی که می‌تواند در قالب‌های مستند، آموزشی و مجموعه‌های نمایشی صورت گیرد، علاوه بر جذب مخاطب و احیای این نمادهای فرهنگی می‌تواند در معرفی پوشش بومی مؤثر واقع شود.

**کلیدواژه‌ها:** پوشاک، سیستان، شهر سوخته، پوشاک زنان، صنایع دستی

زنان سیستان

---

\* کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی و کارشناس اداره امور هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان

## مقدمه

پوشاک و نحوه دوخت و تهیه مواد اولیه آن در طول تاریخ و در بین اقوام مختلف اهمیت ویژه‌ای داشته است؛ زیرا پوشاک، نماد فرهنگی یک کشور محسوب می‌شود. پوشاک، در تاریخ کهن همواره به عنوان پوشش و نگاهدارنده انسان در برابر گرما، سرما و حشرات موذی و همچنین برای بازنمایی حس زیبایی‌شناسانه مدنظر بوده است. در تاریخچه پوشاک این مرزوبوم، برگ درختان و الیاف گیاهی، ماده اولیه برای دوخت انواع بافته‌ها، از ساده‌ترین نوع آن تا دوخت لباس‌هایی متفاوت و خاص هر منطقه و قوم بوده است. در آغاز شکل‌گیری اجتماعات بشری در جوامع اولیه، پوشاک جنبه و نقش حفاظتی برای مصون نگه‌داشتن بدن انسان در برابر عوامل طبیعی، اقلیمی و آب و هوایی داشته است. بعدها با توسعه جوامع و شکل‌گیری باورهای مختلف فرهنگی و مذهبی، نوع، رنگ، جنس، شکل و سبک دوخت تن‌پوش‌ها زمینه و نقش فرهنگی یافت و کارکرد اجتماعی، فرهنگی و نمادین آن برجسته شد. هر یک از تن‌پوش‌ها، زیورها و تزئینات مخصوص هم به صورت رمزی و نمادین، مفاهیمی را در جامعه به وجود آوردند. به تدریج تن‌پوش‌ها، وسیله‌ای برای بازنمایی پایگاه و منزلت اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، شغلی و حال و هوای روحی افراد و گروه‌های اجتماعی و قومی مختلف شدند.

کاوش‌های صد ساله اخیر نشان می‌دهند که ایرانیان از پیشتازان بافندگی در جهان بوده و حتی ساکنان ایران باستان با فن پارچه‌بافی آشنایی داشته‌اند. دوره ساسانی را می‌توان یکی از درخشان‌ترین دوره‌ها به لحاظ بافندگی دانست. در طی دوره‌های بعدی هر چند این صنعت نزد ایرانیان افول کرد، اما همواره پوشاک نزد ایشان از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. اقوام و

خرده‌فرهنگ‌های مختلف در ایران که هر کدام دارای ویژگی‌های قومی برجسته‌ای هستند، تحت عوامل گوناگون منطقه خود، پوشاک متفاوتی دارند. منطقه سیستان در شمال استان سیستان و بلوچستان واقع شده و شامل پنج شهرستان زابل، زهک، هیرمند، هامون و نیمروز است. بخشی از مرز مشترک ایران با افغانستان در این حوزه قرار دارد. جامعه و کسب و کار مردم منطقه از دیرباز کشاورزی، دامپروری و صیادی بوده است؛ هر چند در سالیان اخیر که رودخانه هیرمند خشک گردیده، این منبع درآمد از مردم منطقه دریغ شده است.

مشخصه‌های اقلیمی سیستان، گرمای زیاد، خشکسالی و وزش بادهای ۱۲۰ روزه است. این شرایط، تغییراتی در نوع خوراک، پوشاک، آداب و رسوم و دیگر سنت‌های بومی منطقه گذاشته است.

### تاریخچه پوشاک در سیستان

با بررسی‌های صورت گرفته در گذشته باستانی و تاریخی پوشاک در حوزه سیستان به «شهر سوخته» برمی‌خوریم که در ۵۷ کیلومتری شهر زابل قرار دارد. بر اساس مطالعات انسان‌شناختی انجام شده بر روی بخشی از اسکلت‌های انسانی به دست آمده از گورستان‌های شهر سوخته، اندام، اندازه و نوع پوشش مردم آن مشخص شده است. مشاهدات تاریخی و آثار بر جای مانده از گذشته، حاکی از آن است که انسان در طول تاریخ برای پوشش خود از بافت الیاف گوناگون، تن‌پوش‌های پارچه‌ای می‌ساخته است. پارچه، یعنی مجموعه‌ای از الیاف ریسیده شده که معمولاً در دو جهت عمود بر هم و با عبور از میان یکدیگر به دست می‌آید. طول این الیاف گیاهی یا حیوانی در هنگام نخ‌ریسی می‌باید آن قدر باشد که بتوان آنها را بر روی هم قرار داد و

لیف ممتد و محکمی به وجود آورد. مواد ارگانیک همچون پارچه‌ها، حصیرها، قطعات گوناگون طناب، الیاف خام، ادوات و ابزار تولید پارچه‌های به دست آمده از کاوش‌های شهر سوخته، قدمتی ۵ هزار ساله دارند که تاریخ عمومی آنها به هزاره سوم ق.م بازمی‌گردد (سیدسجادی، ۱۳۸۵: ۵-۴). پارچه‌های مکشوفه شهر سوخته از تنوع بافتی قابل توجهی برخوردارند. هنرمند بافنده با ایجاد تزئینات گوناگون چون تنوع رنگی و تزئینات اضافه بر بافت، اعمالی بر روی پارچه‌ها انجام می‌دهد که باعث ایجاد تنوع در بافته‌ها می‌شود و همین تنوع و گوناگونی است که علاوه بر بقای این پارچه‌ها، ارزشمندی و تفکر تولیدی<sup>۱</sup> تزئینی<sup>۲</sup> کاربردی انسان هزاره سوم ق.م را بازمی‌نمایاند. با نگاهی به نقوش روی ظروف و پیکرک‌های این دوران که در سرزمین‌های همسایه و بویژه آسیای مرکزی به دست آمده است، دیده می‌شود که این روش و «مد» طی هزاره‌های سوم و دوم پیش از میلاد در همه منطقه رایج بوده است. تعداد قابل توجهی از لباس‌ها و ادوات نساجی مورد استفاده مردم «شهر سوخته» به نحو شگفت‌انگیزی با لباس‌ها و ادوات نساجی امروزی شباهت دارند و حتی نوع و گونه برخی از پارچه‌های موجود در این جامعه در جهان امروز به تازگی مد شده و مورد استفاده قرار می‌گیرند. برای مثال می‌توان به پارچه‌ای اشاره کرد که دارای برجستگی‌های تزئینی در بافت است و در سال‌های اخیر در اروپا و ایران مد شده است. یکی از تزئینات الحاقی ظریف و زیبایی به کار رفته بر روی لباس، پاپیونی ظریف با گره به نسبت یکنواخت است که با موی تیره رنگ بز بافته شده و در بخش فوقانی یقه لباس دو یقه را به هم متصل کرده است. در این حالت، بسیار مشخص است که این بست در لباسی ظریف‌بافت برای فصول گرم استفاده می‌شده است. (تصویر شماره ۱ و ۲)

## هنرهای دستی زنان؛ پوشاک زنان سیستانی ❖ ۱۶۹

فصلنامه علمی پژوهشی  
شماره ۳۶ / بهار ۱۳۹۳



تصویر ۱. پاپیون تزئینی با موی بز مکشوفه از شهر سوخته



تصویر ۲. نمونه‌ای از بافت‌های کشف شده از شهر سوخته

در سال ۱۹۶۹م. در پی حفاری در «شهر سوخته» یک پیکره برنزی زن ایستاده کشف شد که لباسی ساده که تا زیر زانوانش می‌رسید، به تن کرده بود. (توزی، ۱۳۸۵: ۶۴۳)

بر روی لباس پیکره دیگری، پولک‌های کوچک تزئینی به بلندی تقریبی ۴ سانتیمتر - همانند پیکره قبلی - وجود دارد، با این تفاوت که در نمونه دوم

تزئینات تا پایین زانو کشیده شده است. این تزئینات در سه ردیف مجزا از یکدیگر که با کمر بند جدا شده‌اند، قرار دارند و بسیار شبیه به هنر امروزی رایج در بلوچستان، یعنی پولک‌دوزی در روی پیش‌بند لباس‌های زنان است که این موضوع، از ارتباط مردمان این دو منطقه طی سالیان متمادی حکایت دارد. (سیدسجادی، ۱۳۸۸: ۳۹)

در دوره هخامنشیان مردم شرق ایران که سیستانی‌ها هم جزئی از آنان بوده‌اند، ردهایی تا زانو همراه با شلوارهای فرو کرده در چکمه‌های بلند به تن می‌کردند. این شلوار روی قسمت فوقانی چکمه‌هایشان را می‌پوشانید. آنها انواع پوشش سر را نیز بر سر داشتند و نوعی ردای بلند بر دوششان می‌آویختند که لبه مورب در پشت داشت.

دیاکونوف در کتاب «ماد» سرزمین‌های زیر را تابع ماد دانسته است: پارس، ارمنستان، آشور، درنگیانه (نواحی سیستان، کرمان، غرب افغانستان). لباس ویژه مادها، کمر بند و قمه مادی، کلاه سکایی نوک‌تیز مایل به عقب و گوش پوش است که در زیر چانه به وسیله بندی که از پشت کلاه به زیر چانه آمده، بسته شده است. (رحیمی، ۱۳۸۵: ۹۹)

پوشاک بانوان این دوره شبیه پوشاک مردان بوده است و شامل پیراهن‌های ساده تا نزدیک به ساق پا، با آستینی کوتاه، پیراهن‌های بلند و فراخ با آستین‌های بلند چسبان، جبه‌های بلند و کوتاه ساده و نقش‌دار می‌شده است. همچنین از شلوارهای ساده و قلابدوزی شده و کفش‌های چرمی در رنگ‌های مختلف بنا به موقعیت و شرایط اجتماعی خود استفاده می‌کردند.

پارت‌ها، همچون مادها و پارس‌ها، قومی بودند با منشا آریایی که در نواحی شرقی ایران، در همجواری با سکاها که آنها نیز آریایی بودند، زندگی

می‌کردند. تشکیلات و ترتیبات اجتماعی آنها همانی بود که بر سایر اقوام، مثل ماد و پارس حاکم بوده است، لیکن به طور خلاصه پوشاک زنان پارتی را می‌توان به صورت پیراهنی بلند، حجیم و پرچین تا روی قوزک پا، آستین‌دار و یقه راست توصیف کرد که در ناحیه کمر، کمربند می‌خورد و گاه پیراهنی کوتاه‌تر و یقه‌باز روی آن پوشیده می‌شد. جنس این پوشاک از پارچه‌های منقش و مزین به قلابدوزی بوده است. زنان پارتی پوشش بلندی روی سرشان قرار می‌دادند که تا قسمت پاها می‌رسید و بنا به میل خود آنها را در پشت سرشان به صورت آویزان‌شده رها می‌کردند یا بدن را با آن می‌پوشاندند.

اطلاعات ما از نوع پوشش مردم سیستان بویژه زنان، در دوران تسلط پارت‌ها، بسیار اندک است، فقط در یکی از نقاشی‌های رنگی دیواری روی گچ، در کوه خواجه سیستان، نگاره یک فرمانروای پارتی همراه با همسر وی دیده می‌شود که متعلق به سده اول میلادی است. در نقاشی مذکور با توجه به تخریبی که با گذشت زمان بر روی آن اثر گذاشته تصویر همسر پادشاه و نوع پوشش او تقریباً مشخص است، لیکن ما نمی‌دانیم که پوشش مردم عادی منطقه به چه شکل بوده و احتمال می‌رود با لباس سلاطین فرق داشته است.

(تصویر شماره ۳)

با ورود به دوره‌های تاریخی و تغییراتی که گذشت روزگار بر مردم منطقه سیستان به وجود آورد، احتمالاً شکل و رنگ و جنس پوشاک مردمان نیز تغییر کرده است و با بررسی‌های میدانی و کتابخانه‌ای، در حال حاضر به نشانه‌هایی در این خصوص در پنج مقطع زمانی سیستان دست یافته‌ایم؛ مقطع اول دوران باستانی شهر سوخته، مقطع دوم تا چهارم دوره‌های تاریخی هخامنشی تا پارت و مقطع پنجم دوره قاجاریه که نزدیک به ماست. آنچه مسلم است پوشش

مردمان در این بین دچار تغییر و تحول شده است، لیکن ما اطلاعات چندانی در این خصوص به دست نیاورده‌ایم.



تصویر ۳. فرمانروای پارسی به همراه همسرش

در دوره قاجاریه لباس معمولی زنان پیراهن گشاد و بلندی بود که تا پاشنه پا می‌رسید. زنان طبقات مرفه‌تر نیز همین لباس را می‌پوشیدند؛ با این تفاوت که پارچه و دوخت مرغوب‌تری داشت. زر و زیور زنان نیز بسته به امکانات و علاقه شوهرانشان انتخاب می‌گردید. زنان خانواده‌های مرفه‌تر به دلیل تفاوت پوشش با طبقات فقیر جامعه، پوشیده بیرون می‌آمدند. مردان طبقات مرفه، کت بلند رسمی ایرانی و شلوار می‌پوشیدند و یک کلاه نمادی با عمامه سفید روی آن بر سر می‌گذاشتند. سیدها با عمامه مشکی و کت سیاه مشخص می‌شدند. طبقه زارع و کارگر، بلوز آبی رنگ کتانی (پنبه‌ای) می‌پوشیدند که با تکمه‌ای روی سینه چپ بسته می‌شد. شلوار آبی کتانی نیز بر تن می‌کردند که عموماً کوتاه بود. ردا یا عبای ایرانی را که مشابه چوگا (ug) ی هندی بود، فقط



## هنرهای دستی زنان؛ پوشاک زنان سیستانی ❖ ۱۷۳

افراد مرفه و عالی‌مقام مانند بازرگانان، فضلا، علما و طبقات بالای جامعه بر تن می‌کردند.

امروزه در حالی البسه‌های محلی زن و مرد سیستانی به باد فراموشی می‌رود که تا چند سال قبل برای تهیه لباس از پارچه‌های دستباف محلی استفاده می‌شد و تهیه مواد اولیه و بافت آن به وسیله خود سیستانی‌ها انجام می‌گرفت. جنس این الیاف از نخ سفید بود و جومن (Joman) نام داشت یا از پارچه‌های راه‌راهی که رنگ سیاه و سبز نیز در آن ترکیب شده بود، استفاده می‌کردند که به جومن کشمیر شهرت داشت و محکم‌تر و گران‌تر از جومن معمولی بود. در همین حال نیز افراد مرفه جامعه از پارچه‌های خارجی استفاده می‌کردند.

### بخش‌های مختلف پوشاک زنان در سیستان

در نگاه نخست می‌توان گفت که زنان معمولاً از لباس‌های بلند و گشاد مثل پیراهن به همراه شلوار در خانه، خارج از خانه و در مزرعه استفاده می‌کنند و استفاده از سربند و چارقد در بیشتر روستاها معمول است. امروزه هر چند با توسعه شهرنشینی، مانتو شلوار و چادر مشکی در میان زنان رواج یافته است، اما هنوز در بیشتر نقاط سیستان همان لباس‌های سنتی رواج دارد. زنان در جشن‌ها و عروسی‌ها لباس‌هایی پوشیده با رنگ‌های شاد و روشن و دارای تزئینات سیاه‌دوزی و خامه‌دوزی و دامن‌هایی با چین زیاد معروف به «چل تریز» بر تن می‌کنند. این لباس‌ها در بازار موجود نیستند و از دیرباز خود زنان یا خیاط‌های محلی این دوخت و دوز را انجام می‌دهند. تن‌پوش‌های زنان در این منطقه از اجزای مختلفی تشکیل شده است که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

### ۱. سرپوش‌ها

**چارقد:** پارچه مستطیل شکلی است که زنان از پهنا و بدون دولا کردن به سر می‌کنند و از طول به دور سر می‌پیچند که معمولاً به رنگ مشکی است. (تصویر شماره ۴)



تصویر ۴. چارقد

**دستمال:** پارچه چهارگوش مشکی با حاشیه‌ای از رنگ قرمز که زنان سیستانی بعد از دولا کردن، آن را به شکل سه‌گوش درمی‌آورند و بر روی سر می‌گذارند و بعد از آنکه انتهای آن را دور سر پیچیدند، در جلوی پیشانی آن را می‌بندند.

**کلاه یا عرفچین:** سرپوشی است مانند کلاه که برای جلوگیری از حرکت روی سر، به وسیله دو بند زیر گردن بسته می‌شود.

**جاوند:** چادر چهارگوشی است که نقشی راه‌راه یا چهارخانه دارد. رنگ‌های آن آبی، قرمز، مشکی یا قهوه‌ای و جنس آن از پنبه و ابریشم یا کرباس است که از سوی بافندگان محلی بافته می‌شود. این پارچه

مستطیل شکل را از وسط بر روی سر می‌اندازند و قد آن تا کناره‌های زانو و پایین‌تر می‌رسد که البته نوع نامرغوب آن را جاوند می‌نامند و نوع دیگر آن که مختص زنان خانواده‌های مرفه است، از چهارخانه‌های ریز با نخ ابریشم بافته می‌شود و تا چند سال پیش زنان سیستانی به جای چادر از آن استفاده می‌کردند.

**چادر کیش:** چادری است که معمولاً زنان طبقه مرفه از آن استفاده می‌کردند و پارچه آن از جنس ابریشم بود و از چهارخانه‌های ریز تشکیل شده بود. (رئیس‌الذکرین، ۱۳۷۰: ۳۱)

**چادر:** زنان در حال حاضر در سیستان از چادر مشکی استفاده می‌کنند.

## ۲. تن پوش‌ها



**پیراهن تاجیک:** قد این پیراهن یک وجب بالای زانوست و دارای یک برش راسته است که در دو طرف پهلوها چاک تا پایین کمر دارد. جلو این لباس تا زیر سینه باز است و سجافی مزین به گلدوزی با نخ سیاه (سیاه‌دوزی) دارد. سر شانه و آستین بدون درز برش می‌خورد و آستین از سه برش تشکیل شده است: ۱. راسته

آستین ۲. برش مثلثی که از کارور تا ۱/۲ آستین قرار می‌گیرد ۳. مرغک که برای راحتی پوشنده به آن دوخته می‌شود. چاک بلند این پیراهن به علت

وجود دامن پر چینی است که در زیر این لباس پوشیده می‌شد. برای دست‌دوزی از نخ سیاه استفاده می‌شود که در اصطلاح این رودوزی را سیاه‌دوزی می‌نامند. (عمرانی‌نسب، ۱۳۸۶: ۱۲۱)



تصویر ۵. پیراهن تاجیک و تمو



تصویر ۶. قسمت‌های مختلف پیراهن تاجیک

پیراهن دو گردنه یا دو گریبانه: قد این پیراهن تا زیر زانوست. تن‌پوشی است که از جلو و عقب، یقه پیراهن چاک دارد و به همین علت به آن «دو

## هنرهای دستی زنان؛ پوشاک زنان سیستانی ❖ ۱۷۷

گریبانه» نیز می‌گویند. مدل پیراهن مورد نظر شبیه پیراهن تاجیک است، با این تفاوت که قد آن بلندتر و بدون چاک است و برش زیر آستین چین می‌خورد. این پیراهن با شلوار پوشیده می‌شود.

**پی نر:** پیراهنی راسته است که قد آن تا روی زانوست و جلوی آن تا روی سینه شکاف دارد. برای تزئین این البسه از نواردوزی به صورت زیگزاک یا سیاه‌دوزی در دور یقه و چاک‌های کناره و دور مچ استفاده می‌کنند.

**پیراهن پاچین:** بانوان سیستانی از پیراهنی استفاده می‌کردند که دارای بالاتنه کوتاه و دامنی با چین‌های ریز بود. این پیراهن، یقه‌گود، بالاتنه کوتاه (از جلو تا ناحیه اتصال دامن باز است) و آستین ساده و مچ‌دار دارد. قد دامن این لباس چین‌دار تا زانوست.

**تمو (tamu):** زنان سیستانی دامن پرچین گشاد و کوتاهی به تن می‌کردند که در سیستان تمو نام داشت و عرض آن به اندازه نه متر، پارچه می‌برد و کوتاهی آن تا زیر زانو بود. کمر آن لیفه‌ای بود و به وسیله بندی که از سوی بانوان خود منطقه بافته می‌شد، بر کمر استوار می‌گردید و غالباً از پارچه چیت گلدار و پارچه‌های نخی دوخته می‌شد و برای تزئین آن از سیاه‌دوزی یا نواردوزی در حاشیه پایین استفاده می‌کردند.



تصویر ۷. تمو

**شلیته:** شبیه دامن‌های پرچین امروزی است که از شش تا هفت متر پارچه (یا به عبارتی سه تا چهار تخته) تشکیل می‌شود. زنان در سیستان در زیر هر شلیته یک شلیته دیگر می‌پوشیدند که از نظر جنس و رنگ در درجه پایین‌تری قرار داشت و به آن «زیر جامه» گفته می‌شد.

**جلیقه باسکت:** نیم‌تنه‌ای بدون آستین است که معمولاً از پارچه مخمل با رنگ‌های شاد (قرمز، آبی، سبز) دوخته می‌شود و یقه آن معمولاً یقه گلابی یا هفت است و جلوی آن چند دکمه دارد و انتهای آن مثلثی شکل است. کناره پایین جلیقه را نیز برای تزئین نواردوزی می‌کنند.

**آرخالق:** کت مخمل کوتاهی به رنگ‌های شاد مانند قرمز، آبی و سبز است که آستین‌های بلند و راسته دارد و یقه آن گلابی یا گرد است.

**شلوار:** شلوار در سیستان به دو نوع تقسیم می‌شود؛ یک نوع آن پاچه‌دار و نوع دوم، تمون نام دارد:

شلوار پاچه‌دار: این البسه از چیت و پارچه‌های دیگر گلدار دوخته می‌شود و پاچه‌های گشادی دارد که اندازه هر پاچه حدود یک متر است و به همین دلیل به این اسم معروف شده است.

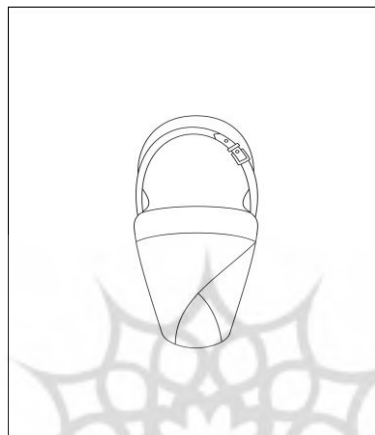
شلوار تمون (tamun): این نوع البسه مانند شلوار مردانه است و گشاد نیست و از پارچه‌های گلدار نیز دوخته می‌شود. در این شلوار، پاچه‌ها تنگ‌تر است و برای تزئین آن از سوزن‌دوزی استفاده می‌کنند. (گلستانه، ۱۳۸۸: ۳۰)

### ۳. پاپوش

زن سیستانی از سه نوع کفش استفاده می‌کند:

## هنرهای دستی زنان؛ پوشاک زنان سیستانی ❖ ۱۷۹

- چپت (apat): تخت آن از لاستیک مستهلک ماشین است و برای استحکام بر روی پا، بندی از لای انگشت شصت پا عبور داده می‌شود و انتهای آن در پشت پا گره می‌خورد. این کفش هنوز هم کم و بیش استفاده می‌شود.



تصویر ۸. چپت

- سر پایی موتوری: نوعی سر پایی زنانه است که به این اسم معروف است. این پاپوش نیز از همان لاستیک مستهلک ساخته می‌شود.

- چپلی (apaly): پاپوشی از جنس لاستیک مستهلک که در انتها، پاشنه‌ای چوبی دارد.

### تزئینات پوشاک در سیستان

مردم در سیستان حیوانات اهلی مانند گوسفند، گاو، بز و غیره را پرورش می‌دادند و از پشم و موی آنها نخ برای بافت پارچه آماده می‌کردند و به وسیله دستگاه‌های بافت که ساخته دست مردان سیستانی بود، پارچه می‌بافتند.



رودوزی پوشاک در سیستان فقط از سوی زنان سیستانی و با استفاده از نخ‌های سفید و سیاه و الوان انجام می‌شود.

رودوزی انواع مختلفی دارد؛ از جمله خامه‌دوزی، گلدوزی و سیاه‌دوزی که از معروف‌ترین و زیباترین این دوخت‌ها خامه‌دوزی است. اشرفی‌دوزی نیز بین مردم سیستان و افغانستان مشترک است.

**خامه‌دوزی:** یکی از زیباترین انواع رودوزی‌هاست که برای انجام آن، بسته به نوع کاربرد، از پارچه‌های چلوار و تیترون استفاده می‌شود و معمولاً برای سفره از چلوار عرض زیاد استفاده می‌شود. برای جانماز و پوشاک مردانه و روبالشتی تیترون و برای دوخت آن نخ ابریشم به کار می‌رود. با اینکه زمینه زیرین نیز سفید است، اما براق بودن این نخ و برجسته بودن دوخت، جلوه خاصی به آن می‌دهد. این دوخت معمولاً در حاشیه‌ها یا جلوی لباس مردانه کاربرد دارد. ماهی‌پشت از نقوشی است که در خامه‌دوزی استفاده می‌شود؛ متوازی‌الاضلاع‌هایی در کنار همدیگر که دوختی نوار مانند را تشکیل می‌دهد.



تصویر ۹. خامه‌دوزی



## هنرهای دستی زنان؛ پوشاک زنان سیستانی ❖ ۱۸۱

**چپ بخیه:** این دوخت به عنوان حاشیه استفاده می‌شود که کوک‌های موازی و اریبی دارند که در قسمت تحتانی و فوقانی آن، کوک کوچکی بر روی تارهای کشیده شده دوخته می‌شود و دارای طرح‌های ساده هندسی است که جلوی پیراهن مردانه دوخته می‌شود. فرم کلی آن سه‌گوش است و داخل آن را نقش مایه‌های هندسی و ساده مانند مربع‌های پلکانی و سه‌گوش پر کرده است.

**اشرفی دوزی:** نوعی از رودوزی‌های سیستانی است که شباهت بسیار زیادی به رودوزی جلوی پوشاک مردان افغان دارد. برای دوخت از نخ به نام نخ مفتول که معمولاً سفید و دارای استحکام زیادی است استفاده می‌شود و فرم کلی دوخت آن خشت یا نیم‌خشت است.



تصویر ۱۰. گلدوزی

**گلدوزی:** این دوخت که با نخ رنگی انجام می‌شود، برای رودوزی قلاب‌بافت، دیوارکوب‌های تزئینی و روی جالباسی و غیره استفاده می‌شود و به

ظرافت دوخت‌های قبلی نیست، اما تراکم نخ‌ها و ردیف بودن آنها به همان صورت است و امروزه بیشتر از نخ‌های رنگی کاموا استفاده می‌کنند. برای ایجاد تراکم و از بین رفتن فاصله بین دو کوک از یک کوک رفت و کوک‌های ریز برگشت به صورت عمود و اریب بر آن استفاده می‌کنند. طرح‌های گل و بوته و گلدان بیشتر رواج دارد و نقوش انسانی نیز پس از حضور معلمان سپاه دانش در منطقه رواج یافت.

**سیاه‌دوزی:** این دوخت که به طریق حاشیه‌دوزی در گلدوزی است معمولاً با نقش‌های دندان‌موشی و دندان‌اره دوخته می‌شود و برای دوخت آن صرفاً از نخ لاس پنبه‌ای سیاه یا ابریشم سیاه رنگ شده استفاده می‌کنند و برای تزئین لبه یقه البسه زنانه و مردانه یا دور میچ آن یا برای دوخت حاشیه بقچه و دستمال استفاده می‌شود. سیاه‌دوزی به نام‌های مختلف محلی مانند تخم خربزه، دندان‌اره، پامرغک، زنجیره، تور و پنجولک خوانده می‌شود.



تصویر ۱۱. سیاه‌دوزی

## جمع‌بندی

ارزش‌ها، سنت‌ها، عقاید، آداب و رسوم و حتی باورهای یک جامعه بر فرهنگ مردم تأثیرگذار است. پوشاک نیز جزئی از فرهنگ هر جامعه به شمار می‌رود و همواره بخشی از فرهنگ جوامع مختلف با گوناگونی پوشاک متجلی می‌شود. پوشاک بارزترین نماد فرهنگی و مشخص‌ترین مظهر هویت قومی است. منطقه سیستان، مشخصه‌های اقلیمی خاصی دارد؛ گرمای زیاد و وزش بادهای پرسرعت، از جمله شرایط طبیعی این منطقه است و پوشاک مردمان این منطقه تحت تأثیر این اقلیم شکل گرفته است. سادگی و پوشش کامل از ویژگی‌های بارز پوشاک سیستان است و به همین دلیل دوخت‌های گوناگون و تزیینات خاص به این سادگی جلوه خاصی بخشیده است. انواع رودوزی‌ها مانند خامه‌دوزی، سیاه‌دوزی و اشرفی‌دوزی از دوخت‌هایی است که زیبایی خاصی به پوشاک سیستان داده است. نمایش این لباس‌ها به همراه دوخت‌های مختلف می‌تواند در طراحی لباس‌های ایرانی مورد استفاده قرار گیرد و به پوشاک ایرانی تنوع و جلوه ویژه‌ای ببخشد.

## منابع

### الف) کتاب

۱. توزی، موتیزیو (۱۳۸۵). پیش از تاریخ سیستان. ترجمه رضا مهر آفرین. مشهد: نشر پاز.
۲. رحیمی، پریچهر (۱۳۸۵). تاریخ پوشاک ایران. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
۳. رئیس‌الذاکرین، غلامعلی (۱۳۷۰). کندو (فرهنگ مردم سیستان). مشهد: چاپ سعید.
۴. سیدسجادی، سید منصور (۱۳۸۸). پارچه‌های شهر سوخته و فرهنگ پوششی آن. تهران: پیشین پژوه.
۵. سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۸۵). جواهرسازی در شهر سوخته. تهران: پیشین پژوه.
۶. گلستانه، مزار (۱۳۸۸). فرهنگ عامه ۴ سور و سوگ در سیستان. مشهد: عروج اندیشه.

### ب) مقاله

- عمرانی نسب، اشرف‌السادات (۱۳۸۶). «پوشاک مردمان سیستان و بلوچستان». فرهنگ مردم ایران. ش ۱۱.